

## سیر تحول مفهوم رفاه اجتماعی

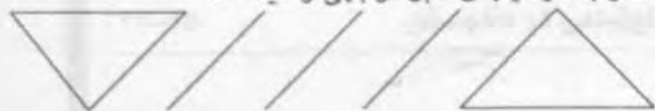
دکتر محمد تقی جغتایی

زحمتکش، صاحبان شرکتهای صنعتی و کارفرمایان را برآن داشت تا برای تداوم و استمرار نیروی کار و ماشین تولید از یک طرف و جلوگیری از طغیان و شورش کارگران به تأمین بخشی از نیازهای اساسی و رفاه آنان بپردازند

۳. نگرش توسعه ای (نئولیبرالیسم): در این مرحله از تکامل اجتماعی، صاحبان تداوم توسعه معتقد بودند که در چرخه توسعه به هر دلیلی عده ای از همراهی و همپایی عقب میمانند (عدم تطابق با توسعه) و دچار اختلال و نارسایی می شوند، لذا لازم است که بوسیله وضع قوانین و یا سایر مکانیسمها و راهکارها به رفع و رجوع این اختلال و ریزش پرداخت. این نگرش، توسعه را عمدتاً از بعد اقتصادی آن می دید...

این تحلیل در کشورما، هم قبل و هم بعد از انقلاب، در برنامه های پنج ساله توسعه، نگرش عمده را تشکیل می داده است.

۴. نگرش مدرن و یا توسعه انسانی: این نظریه و نگرش، از دهه ۱۹۷۰- طرفداران زیادی پیدا کرده و در اغلب بر نامه ریزی های توسعه نیز به نحوی مورد عنایت قرار گرفته است. این نظریه منبع اصلی و اساسی قدرت، ثروت و دارایی یک کشور را نیروی انسانی آن جامعه می داند، لذا پرداختن به رفاه اجتماعی را نه هزینه، بلکه یک سرمایه گذاری اقتصادی و پر بازده می داند. بیشتر کشورهای توسعه یافته جدید، بویژه در جنوب شرقی آسیا از این استراتژی استفاده کرده و به موفقیت های قابل توجهی رسیده اند.



در زمینه رفاه اجتماعی Social welfare برداشت عمومی، تکیه بر تأمین نیازهای مادی افراد جامعه است، در حالی که این واژه مفهوم وسیعتری داشته و رفاه اجتماعی را یک نظام ملی از برنامه ها، کمک ها و خدماتی که به تأمین آن دسته از نیازهای جسمانی، روانی، اجتماعی و اقتصادی کمک می کند و اساس بهبود شرایط فردی و اجتماعی قرار می گیرد قلمداد می کند.

- در تصویب اعلامیه حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ مفاهیم ذیل در مورد رفاه اجتماعی مطرح گردید:
- هر فرد حق تأمین اجتماعی دارد.
- هر فرد حق داشتن سطح زندگی کافی برای حفظ سلامت خود و خانواده اش دارد.
- هر فرد هنگام بیکاری، پیری، ازکارافتادگی و سایر پیش آمدهای ناگوار، حق تأمین دارد.
- زنان و کودکان و گروه های آسیب پذیر حق دریافت کمک های خاص دارند.

با مراجعه به پیشینه و تاریخ تکامل بحث رفاه اجتماعی چهار نگرش ذیل را می توان استنتاج کرد:

۱. نگرش سنتی: در طول تاریخ افراد در جوامع مختلف بر مبنای باورها، اعتقادات، ارزشهای فرهنگی، تاریخی و مذهبی با برخورد احساسی حمایت از محرومان و دردمندان را وجه عمل خود قرار می داده اند. در این جوامع برای توزیع درآمد، به ویژه در میان نزدیکان، خویشاوندان و همسایگان از راههای غیر رسمی به تطفیف و تعدیل محرومیت می پرداختند.
۲. نگرش کلاسیک: بعد از انقلاب صنعتی در اروپا شرایط سخت محیط های تولیدی و شدت محرومیت طبقات

با توجه به نگرش‌های فوق، رفاه اجتماعی در جوامع سنتی عمدتاً شامل صندوق و تعاونی‌های ابتدایی به منظور کمک به هم‌نوع و در قالب همیاری‌ها و دگریاری‌ها برای تأمین نیازهای اولیه خانواده‌ها و گروه‌های محلی بوده است که به تدریج و بر اثر پیدایش روابط تولیدی و حاکمیت بازار و شرایط کار در کارخانجات، موضوع بیمه‌های اجتماعی مطرح شد و پس از آن موضوع تأمین اجتماعی با توجه به ابعاد حمایتی و جبرانی وسیع آن، جایگزین بیمه‌های اجتماعی گردید تا آثار اقتصادی کلیه خطرات اجتماعی را جبران نماید. با پیدایش تشکلهای کارگری و ایجاد قوانین و حقوق کار در محیط‌های صنعتی و با هدف تأمین منافع کارگران در قبال کلیه خطرات انسانی و شغلی، علاوه بر نیازهای اولیه، موضوع نیازهای ثانویه و امنیت فردی نیز مطرح شد. در این مرحله رویکرد رفاه صنفی، جایگزین رفاه فردی، خانوادگی و گروه‌های محلی گردید. با پیدایش جوامع مدرن با خصلت‌های شهرنشینی، خانواده هسته‌ای و نظام اقتصادی پیچیده و کلان به تدریج نگرش‌های جدید رفاه اجتماعی پدیدار گردید.

مفهوم و محتوای رفاه اجتماعی در طول چند دهه اخیر بسیار دگرگون شده است. در دهه ۱۹۷۰ گفته می‌شد که رفاه اجتماعی مجموعه قوانین برنامه و خدمات سازمان یافته‌ای است که هدف آن تأمین حداقل نیازهای اساسی

آحاد کشور می‌باشد. در طول سالهای دهه ۱۹۸۰ این مفهوم به نحوی تغییر کرد که رفاه اجتماعی به مجموعه اقدامات و خدمات گوناگون اجتماعی در جهت ارضای نیازهای افراد و گروه‌ها در جامعه و غلبه بر مسائلی اجتماعی اطلاق می‌شد.

در حال حاضر، «یعنی از دهه ۱۹۹۰ رفاه اجتماعی به مجموعه شرایطی گفته می‌شود که در آن خشنودی انسان در زندگی مطرح است.» بر اساس این نگرش، رفاه اجتماعی مجموعه شرایطی است که در آن مسائلی اجتماعی حل یا کنترل شده، نیازهای اولیه انسانی ارضا شده و فرصت‌های اجتماعی به حداکثر رسیده است.

مشاهده می‌شود که تحول ایجاد شده در این مفهوم بسیار قابل توجه است یعنی رفاه اجتماعی از پدیده‌هایی از جنس فعالیت و خدمات به پدیده‌هایی از جنس شرایط و حالات تبدیل شده است. علاوه بر این، مفاهیم جدیدی نظیر فرصت‌های اجتماعی و رضایتمندی اجتماعی نیز به آن وارد شده است.

بر این اساس مفهوم رفاه اجتماعی را می‌توان در سطح افراد، خانواده‌ها، انجمن‌ها، سازمانها، اجتماعات محلی و به طور کلی جامعه در نظر گرفت. این مفهوم همچنین می‌تواند در برگیرنده گروهی از کشورها، مناطق بین‌المللی و یا جهان به طور کلی باشد.

به نظر می‌رسد برخی از برنامه‌ریزان کلان و سیاستگذاران رفاه اجتماعی، عمدتاً به رفاه در سطح خرد یعنی در

سطح خانواده نگرسته‌اند و این نگرش گاه مفهوم رفاه را تا حد تأمین حداقل‌های مورد نیاز یک فرد تقلیل داده است. اصلاح این نگرش به خودی خود موجب اصلاح برنامه‌های فقر زدایی خواهد شد و به جای تلاش برای ارتقای وضع اقتصادی بعضی از افراد جامعه تا حد نزدیک شدن به سطح قابل قبول، شرایط و کیفیتی در سطح جامعه ایجاد می‌کند که مجموعه جامعه مسئولیت ارتقای اعضای خود را بر عهده گیرد. امروزه نظریه پردازان و کارشناسان اجرایی کشورهای پیشرفته صنعتی نیز به این واقعیت توجه کرده‌اند که بدون تحول در رفاه اجتماعی، پیشرفت این جوامع در آینده با محدودیت مواجه خواهد بود.

در تعریف این نوع رفاه اجتماعی، سه مفهوم محوری وجود دارد:

۱- حل یا کنترل مسائلی اجتماعی: هر چند که اتفاق نظر کاملی در مفهوم و محتوای آنچه که مساله اجتماعی خوانده می‌شود وجود ندارد، اما در مورد نوع اینگونه مسائلی توافق نسبی وجود دارد. به ویژه مسائلی مانند خشونت، بیکاری، استعمال مواد مخدر، فقر و خودکشی مورد توافق عام هستند. این مسائلی هم در طول زمان تحول پیدا می‌کنند و هم نگرش‌ها در مورد آنها تغییر پیدا می‌کند. آنچه که معمولاً در رابطه با مسائلی اجتماعی مطرح می‌شود شناخت و ادراک صحیح، داوریه‌های منطقی و بالاخره راه‌حلهایی است که در مورد این مسائلی به کار برده می‌شود. در

شرایط رفاهی این مسایل باید حداقل کنترل شده باشد.

۲- تأمین نیازها: این مفهوم نیز از چند دهه پیش تحول قابل ملاحظه ای پیدا کرده است و علاوه بر شمول آنها بر ابعادی مانند نیازهای زیستی، مسکن، آموزش و بهداشت، نیازهایی را نیز برای زندگی منطقی و مناسب که در جامعه ضروری است، شامل می‌شود. این نیازها ممکن است از سوی جمعیت

نیازمند احساس شده باشند، مورد کارشناسی قرار گرفته باشند و یا به عنوان نیازهای تطبیقی (در رابطه با سایر اجتماعات) مطرح شود. جلوه خاصی از این نیازها در بحث از رضایت اجتماعی مطرح می‌شود.

تأمین فرصتهای اجتماعی برابر: این مفهوم به معنی برابری فرصتهایی در مقابل شغل، آموزش و ارتقای اجتماعی صرف نظر از موفقیت‌های فردی است. در

صورت نابرابری فرصت‌ها گرایش به روشهای غیر قانونی و غیر منطقی برای دستیابی به نیازها بروز خواهد کرد و این مشکل در نهایت به گستردگی حوزه اول یعنی مسایل اجتماعی می‌انجامد. فقدان فرصتهای عادلانه و مبتنی بر شایستگی فردی یکی از علل مهم سوء رفتار اجتماعی است

**منبع اصلی و اساسی قدرت، ثروت و دارایی یک کشور نیروی انسانی آن جامعه است، لذا پرداختن به رفاه اجتماعی نه هزینه، بلکه یک سرمایه گذاری اقتصادی و پر بازده است.**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رساله جامع علوم انسانی

منابع:

۱- رفاه اجتماعی ساختار و عملکرد: ترجمه دکتر محمدتقی جغتایی - فریده همتی سال

۱۳۷۸

۲- رفاه اجتماعی در جهان: ترجمه دکتر محمدتقی جغتایی سال ۱۳۷۸

مؤلف، دکتر محسن قندی سال ۱۳۴۸

۳- مددکاری اجتماعی

4- Child Welfare league of american. vol. lxxvii. #3 May/ June 1998

University new Brunswick

5- Welfare the official Journal of the institute of welfare officers